



سیاست اندیشی حافظ



فاطمة القاریان

تحریرات

سیاست اندیشی حاکم

فاطمه زهرا القاریان



سیاست اندیشی حافظ

فاطمة زوالفقاریان

ادبیات / ادبیات سیاسی



نشر فلات



مدیر هنری و طراح جلد: شادی تاکی
ویراستار ادبی و صفحه آرایی متن: بنفشه دادفر

چاپ: اورنگ

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۵

کلیه حقوق چاپ و نشر مکتوب و الکترونیک برای نشر محفوظ است

نشر فلات: تهران، خیابان فرجام، ابتدای گلشنی شمالی

شماره ۳۵، طبقه دوم، واحد ۴

تلفن: ۷۷۷۲۴۳۷۳

www.nashrefalat.com

سرشناسه: ذوالفقاریان، فاطمه، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: سیاست اندیشی حافظ / نویسنده فاطمه ذوالفقاریان.

مشخصات نشر: تهران: نشر فلات، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص؛ ۱۳ × ۲۰ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۷۰-۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۹ - ۱۸۴.

موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان -- نقد و تفسیر.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۸ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: سیاست در ادبیات

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۹۱۸۶/ذ ۳۵ PIR ۵۴۳۵

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۳۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۱۶۵۵۵۷

فهرست:



مقدمه	۹
فصل اول: زندگی و زمانه حافظ	۲۱
فصل دوم: روایت‌های اندیشه‌ای	۴۳
فصل سوم: کاریست سیاست در	۶۱
فصل چهارم: تاریخ، سیاست و اجسام	۷۹
فصل پنجم: روایت‌های اندیشه‌ا	۹۷
فصل ششم: تبلور سیاست در دیوان حافظ	۱۳۳
جمع‌بندی	۱۶۱
منابع	۱۶۹

مقدمه

حافظ افتخار فرهنگ ایرانی است و اگر همه آثار باشکوه تمدنی و نموده‌های خردورزی ایران شهری حذف گردد، تنها دیوان او برای سربلندی یک ملت کافی است. گاهی فکر می‌کنم در کلام حافظ، خداوند و همه نیکی‌ها متبلور شده است. این کتاب قصد دارد از منظری جدید به تبلور سیاست در دیوان حافظ بپردازد. در نگاه اول شاید سنگین و ابهام‌آمیز به نظر برسد و این پرسش شالوده‌شکنانه ذهن را مشغول کند؛ مگر حافظ اندیشه سیاسی دارد؟

حافظ در فرهنگ، اندیشه و سازه‌های زبانی ایران، جایگاه منحصر به فردی دارد. او از معدود ادیبان خلاق است که توانسته میدانی مغناطیسی ایجاد کند که کمتر اندیشه‌ای از خاص و عام، توانایی گریز از دایره جذاب آن را داشته‌اند. دشمنان و ناقدان حافظ، از فقیهان تا روشنفکران، نتوانسته‌اند از خاص بودن زبان و اندیشه او بکاهند. حافظ هم مفسر فرهنگ ایرانی و هم روح ابهام، نقد و طنز برخواسته از آرمان‌ها و آرزوهای سانسور شده‌ای است که بر وزن و موسیقی اعجاز‌آوری بیان شده است. حافظ دارای جهان‌بینی متافیزیکی است و در جهان‌بینی او، سیاست در رابطه با سایر اجزا تفسیر می‌شود. ناخودآگاه جمعی و قومی

تا سیاست در سطح خرد و زبان اسطوره‌ای و ملی و طغیان زبان، همه می‌تواند پدیدار سیاست در زیست جهان و سازه‌های زبانی حافظ باشد. این کتاب سعی دارد میراث بررسی شده از زاویه‌های سنتی، عرفانی، ادبیاتی، الهیاتی و... را به حوزه سیاست و بررسی خوانش‌های هرمنوتیک، زبان‌شناسی جدید و جامعه‌شناسی سیاسی نزدیک کند و قرائتی نو را از زاویه اندیشه سیاسی بر روایت‌های ارزشمند دیگر بیفزاید.

تبلور ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران در دیوان حافظ مشهود است. فرهنگ ایرانی، مملو از آرمان‌گرایی و عشق است. آرمان‌هایی که برای خود و جامعه در نظر می‌گیرند و عشقی که در تاروپود جان تک‌تک ایرانی‌ها وجود دارد و دیوان حافظ نمود عینی این فرهنگ است. اعتقاد به انسان کامل و آرمان‌شهر نیز یکی از عناصر اصلی فرهنگ و اندیشه ایران باستان می‌باشد. هیچ امری در خرد ایران باستان، خارج از چارچوب آرمان‌ها درک نمی‌شود و همه امور به بدایت‌ها و آرمان‌های ایزدی و قدسی باز می‌گردند و در چارچوب عدالتی خاص فهم می‌شوند. (رضایی‌راد، ۱۳۷۹: ۴۳۴) اندیشه سیاسی در ایران تنها از رهگذر سنت مذهبی آن فهم می‌گردد و یک بینش سیاسی فراگیر که مبتنی بر یک جهان‌بینی الهی است، ضرورتاً مطلق‌نگر و آرمان‌گراست و نظریه‌های سیاسی کوشیده‌اند با ترسیم فضای آرمانی، تحقق آرمان‌شهر مطلوب خویش را بر روی زمین محقق کنند و شاید به جرأت بتوان گفت که بیشتر غزلیات حافظ در تلاش برای ترسیم نظم خیالی یا آرمان‌شهر خود او است. آرمان‌شهری که در آن از ریا و دروغ خبری نیست و یک عالم رندانه‌ای ترسیم می‌کند که آزادی و پاکبازی و نقد ریاکاری از نشانه‌های اصلی آن است. همچنین تمام جهان‌بینی حافظ در واقع بر عشق مبتنی است، بر مفهوم از خود رهایی که عشق، خود جز آن حاصلی ندارد. در

عرفان، عشق اوج پرواز است. پرواز به سوی زیبایی و حقیقت و عروجی است به سوی کمال و دانایی. عشق عرفانی حافظ با عشق بسیاری از صوفیان تفاوت دارد. عشق در دیدگاه او، روشنائی خیره‌کننده‌ای از دریچه وحدت وجود است. (عمادی، ۱۳۷۰: ۸۵)

منظومه عرفانی در معرفت‌شناسی، هماهنگی کامل با هستی دارد و اعتقاد بر این است که آنچه خلق شده است، در بهترین شکل قرار دارد. اگر مشکل و آسیبی وجود دارد، به خاطر این است که در این دنیا سعادت کامل به دست نمی‌آید و سعادت در آرمان‌شهر دیگری قرار دارد. تنها انسان‌های کامل می‌توانند به این معرفت اصیل دست پیدا کنند و خود را از تعلقات دنیوی نجات دهند. عرفان نیز به عنوان یکی از جریان‌های اندیشه سیاسی ایران با تأکیدی که بر انسان کامل می‌کند و شهر آرمانی که می‌سازد، جهانی را در دورترین نقطه ترسیم می‌کند و در آن با مشخص کردن ویژگی‌های انسان کامل، سعی می‌کند که از فضای هرج و مرج آن روزگار فاصله بگیرد و به نوعی به نقد اوضاع زمانه بپردازد.

اندیشمندان بسیاری دیوان حافظ را با رویکردهای گوناگون تفسیر کرده‌اند، هر سخنی درباره حافظ و مایه اندیشه نهفته در دیوانش، بیش از آن که فاش‌کننده ذهنیت وی باشد، فاش‌کننده ذهنیت آن متفکران است. هرکس با توجه به دیدی که دارد، به بررسی حافظ می‌پردازد و برداشتی مطابق با ذهن خود در دیوان حافظ انجام می‌دهد. برای تقسیم‌بندی پژوهش‌هایی که در مورد حافظ وجود دارد، می‌توان آن‌ها را بر اساس درونی و بیرونی تقسیم کرد.

اندیشمندانی که از دید درونی به حافظ می‌نگرند، دیدی ناخودآگاه به دیوان حافظ دارند. آن‌ها در بیشتر موارد به حافظ افتخار می‌کنند و بدون ارائه نقد، تعریفی بی‌چون و چرا از حافظ ارائه می‌دهند و در او

جذب می‌گردند. یکی از گروه‌هایی که نگاهی درونی به دیوان حافظ دارند، فقها هستند. فقه روش‌شناسی نقلی و متنی دارد که از نص قرآن، سخنان و کردار پیامبر، ائمه، صحابه و بزرگان اسلام، احکام شرعی استنباط می‌کند. این گروه تلاش دارند دیوان حافظ را براساس داده‌های فقهی تفسیر کنند. در این تفسیر بسیاری از متفکران، از جمله مرتضی مطهری سعی دارند که اشعار حافظ را بر مبنای بینش اسلامی تعبیر و تفسیر کرده و منظور بسیاری از واژه‌ها را به خدا نسبت دهند.

دسته دومی که نگاهی درونی به دیوان حافظ دارند، اهل حکمت هستند. حکمت تطابق نقل و عقل و راه میانه اعتدالی مبتنی بر جذب خوبی‌های عرف و سایر عقول تمدن‌ها در اسلام، یونان و ایران است. افرادی مانند غلام حسین ابراهیمی دینانی که دیدی حکمی به دیوان حافظ دارند، سعی می‌کنند حافظ را دارای نوعی جهان‌بینی منحصر به فرد نشان دهند که این جهان‌بینی از خدا و خلقت خدا آغاز شده و جایگاه خاصی را برای هر کدام از عناصر طبیعت قائل است.

عرفا گروه سوم هستند که براساس شهود و اشراق به دنبال ارائه دیدگاه‌های خود می‌باشند. عرفان شاه‌راه محتوایی ادب، تاریخ، فقه، حکمت و حتی ایدئولوژی است. عرفان سیاسی عمیق‌ترین، نانوشت‌ترین و زنده‌ترین اندیشه سیاسی در ایران است. عرفایی که به بررسی حافظ می‌پردازند، او را عارفی دل‌سوخته معرفی می‌کنند که برای رسیدن به لقای حق تلاش می‌کند و همه چیز را در وحدت وجود می‌بیند. احساسات عارفانه مبتنی بر یک اصل اختیاری مشخص است. احساسات و حس و حالی است که سبب می‌شود تا من متناهی با من نامتناهی پیوند یابد، حالتی است که صحت و اعتبارش بستگی به میزان یقین باطنی عارف دارد، اعتقاد راسخش به این که سیر و سلوک

او در مسائل، مورد توجه بشر است و این که ماهیت واقعیت در شهود و ژرف‌نگری است. (خرم‌شاهی، ۱۳۷۱)

دسته دیگری که نگاهی درونی به دیوان حافظ دارند، کسانی هستند که از دید تاریخی به حافظ می‌نگرند. آن‌ها به دنبال آن هستند که شرایط و زمینه حافظ را بررسی کنند. افرادی چون قاسم غنی و عبدالحسین زرین‌کوب با بررسی زمانه حافظ به دنبال چگونگی بازنمایی آن دوران در دیوان حافظ بوده‌اند. قاسم غنی با بررسی قرن هشتم و اوضاع و احوال آن زمان، چهره‌ای از زمانه حافظ را برای ما ترسیم می‌کند که برای شناخت و درک ابیات حافظ مؤثر می‌افتد. (غنی، ۱۳۲۱)

زبان‌شناسان و اندیشمندانی که به دنبال بررسی ابیات حافظ از نگاه زیبایی‌شناسی هستند، نیز در گروه نگاه درونی به حافظ جای می‌گیرند. آن‌ها با شناخت واژه و تفسیری که از واژگان ارائه می‌دهند، در صدد شناساندن زیبایی ابیات و غزل‌های حافظ هستند. این متفکران با پیدا کردن صناعات ادبی در دیوان، حافظ را متخصص در بلاغت و صنعت می‌دانند و به پیدا کردن زیبایی‌شناختی واژگانی می‌پردازند. اما در دسته‌بندی کلی، گروه دیگری هستند که نگاهی بیرونی به حافظ دارند، آن‌ها هر چند گه‌گاه حافظ را تحسین می‌کنند، اما همواره نقدهایی نیز در مورد او ارائه می‌دهند. آن‌ها با دیدی خودآگاه و از بیرون حافظ را میانه می‌دانند و معتقدند که حافظ و اشعارش می‌تواند سیاسی بوده و یا اثرات منفی و مثبت سیاسی و اجتماعی داشته باشد. این پژوهشگران از ناخودآگاه دیوان حافظ عبور کرده و از زاویه عقل جدید به آن می‌نگرند. رفتن به متن دیوان و تفسیر مجدد آن به سوی سنت‌هایی غیر از عرفان، ویژگی این روش‌ها است.

احمد کسروی، محمود روح‌الامینی و محمد رضا شفیعی کدکنی از جمله افرادی هستند که دیدی بیرونی به دیوان حافظ دارند. کسروی که با نگاهی از بیرون، شعر حافظ را باعث عقب ماندگی ایرانیان و تقدیرگرایی در شعر او را مساوی با عدم تلاش و رضایت مردم می‌داند و به سرزنش او می‌پردازد. (کسروی، بی‌تا) روح‌الامینی نیز با نگاهی از بیرون به بررسی طبقات اجتماعی در دیوان حافظ پرداخته و ویژگی هر طبقه را در دیوان او نمایش می‌دهد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۷)

دومین گروهی که نگاهی بیرونی و خودآگاه به حافظ دارند، ملی‌گرایانی چون خسرو ملاح هستند که حافظ را ادامه‌ی هویت ملی ایرانی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که اندیشه‌های حافظ، نمادی از تداوم هویت و اسطوره‌های ملی ایران است. ملاح با چنین دیدی به بررسی دیوان حافظ می‌پردازد و از منظری ملی‌گرایانه حافظ را می‌کاود. (ملاح، ۱۳۸۵)

گروه دیگر، نگره‌ای پسامدرن به حافظ دارند. افرادی چون مهدی پرهام که در این دسته جای می‌گیرند، معتقدند کسانی که دیدی مدرن و یا سنتی به حافظ دارند، نمی‌توانند تمام آنچه را که باید، بازگو کنند. آن‌ها با درهم ریختن سنت و تجدد و کناره‌گیری از مسئله‌ی عین و ذهن و ساختار و کارگزار، حافظ را فیلسوف، عارف و شاعری جهانی می‌دانند، که در هیچ مکتبی جای نمی‌گیرد و خود زبانی جهانی دارد، که برای صلح و عشق‌ورزی جهانی به‌نحو معنوی کاربرد دارد. این تحلیل‌گران وجوه زبانی و اعجاز‌آمیز اشعار حافظ و پتانسیل نگاه او را مناسب برای دنیای جدید می‌دانند و از نگاه حافظ بر مدرنیته و همین‌طور سنت، نقد وارد می‌کنند. (پرهام، ۱۳۷۹)

برخی از پژوهشگران نیز، حافظ را از منظر زوال‌گرایانه بررسی می‌کنند و اعتقاد دارند با یورش مغولان به ایران، شیوه‌های اندیشه و منطق نگرستن یعنی جهان‌بینی ایرانی به انحطاط گرایش پیدا کرد. سیراندیشه ایران از فارابی و مسکویه تا ملاصدرا و سبزواری، مسیری زوال‌گرایانه است که در برخی از مواقع، تک‌ستارگان ادب و خرد با میراث ادبی زبان فارسی سنت اندیشه‌ورزی را حفظ می‌کردند. دکتر جواد طباطبایی اعتقاد دارد، حافظ طلایه‌دار زنده نگاه داشتن این اندیشه در زبان فارسی است. طرح پرسش از وجدان نگون‌بخت ایرانی در دوره اسلامی که با یورش مغولان کم‌رنگ و در دستگاهی از مفاهیم فلسفی غیرممکن شده بود، با حافظ در اقلیم ادب فارسی امکان‌پذیر شد. (طباطبایی، ۱۳۷۵)

با تمام پژوهش‌های ارزشمندی که درباره حافظ از گذشته تا کنون انجام شده است، بررسی اندیشه سیاسی حافظ و چگونگی نمود سیاست در دیوان وی مغفول مانده است. این کتاب با توجه به اهمیت دیوان حافظ هم به لحاظ تبلور اندیشگانی و فرهنگ ایرانی و هم به لحاظ بازتولید و تقویت روزافزون اثرگذاری عرفان بر ساختار سیاسی و فرهنگ ایرانی، قصد دارد به سیاست‌اندیشی حافظ و نقد و واکاوی دیوان حافظ از منظر سیاسی بپردازد. لازم است تأکید شود که معنای سیاست در این کتاب به معنای اصلی آن که دولت باشد، در نظر گرفته نشده است. سیاست یک بازی زبانی فرض شده است که از لایه‌های خرد به نقد قدرت و از زاویه دیدی کیفی به نقد فرهنگ حاکم بر جامعه می‌پردازد و در دیوان حافظ به شکل بازی‌های زبانی و ناخودآگاهی آن که چه باید کردهایی را برای دردهای جامعه خویش پیشنهاد می‌دهد، نمود پیدا می‌کند. حافظ آسیب‌اساسی در فرهنگ ایرانی را شناسایی می‌کند و با زبانی شاعرانه به نقد و ارائه راهکار جهت درمان آن می‌پردازد. سیاست‌اندیشی یعنی

ارتباط دیوان حافظ با سطوح و لایه‌های قدرت جریان یافته در زندگی روزمره که نظم و فرهنگ سیاسی مردم را شکل می‌دهد و اغلب از سوی دولت حمایت می‌گردد.

روشی که در این کتاب برای بررسی سیاست در دیوان حافظ انتخاب شده، روش هرمنوتیک اسکینر است. هرمنوتیک، نوعی روش فهم متون به لحاظ تفسیری است که به ما می‌آموزد یک متن دارای معانی بی‌شمار است و از آن جا که متن به یک معنی محدود نمی‌شود، قابل تأویل‌های گوناگون است. گزاره‌ها با متن رابطه‌ای دوسویه دارند، معنی یک گزاره را با رجوع به کل متن و کلیه متن را با درک تک‌تک گزاره‌ها می‌توان فهمید. افزون بر روابط متقابل گزاره‌ها و متن، رابطه میان آفریننده متن و خود متن دارای اهمیت است. به گفته اسپریگنز «باید با بینش نظریه پرداز دنیا را دید و نه فقط به مشاهده عقاید او نشست.» (اسپریگنز، ۱۳۸۷: ۱۹)

هرمنوتیک، روش مند کردن قرائت و تفسیر است. خواه ناخواه در خواندن دیوان حافظ پیش فرض‌ها، علم و آگاهی مفسر، تعیین کننده خواهد بود. روش علمی باید خود را از دیوان حافظ و فهم‌های ابتدایی، طایفه‌ای و قبیله‌ای کنار بکشد و برای دوری کردن از تناقض‌گویی و پراکنده نویسی، روشی منسجم را در پیش گیرد. هرمنوتیک روشی کیفی، تحلیلی و مختص علوم انسانی است. این روش تفسیر را از حالت تناقض آمیز، ملال آور و پرگو خارج کرده و تفسیر را به صورت علمی بررسی می‌کند. هرمنوتیک علم تفسیر یا شاید تفسیر تفسیرها است. (هوی، ۱۳۸۵: ۹)

در مورد تفسیرهایی که از متن می‌شود، راه‌های گوناگونی وجود دارد. گرایش نخست بر این است که این زمینه یعنی عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و اقتصادی است که در مورد فهم معنایی هر متن، چارچوب نهایی را تعیین می‌کند و گرایش دوم بر اقتدار تام و تمام

متن پای می فشارد و براین نظر است که کلید فهم هر متن، در خود آن نهفته است و نباید این کلید را در پستی و بلندی های زمینه جستجو کرد. کوئنتین اسکینر پس از نقد ورد این دو گرایش، کوشید روشی میانه پیشنهاد کند. او زمینه های زبانی، اجتماعی، سیاسی و دینی را در فهم متون لازم و مؤثر می داند، اما فهم متون را ورای فهم زمینه ها ارزیابی می کند. نه متن می تواند جای زمینه را بگیرد و نه زمینه جای متن را. وی معتقد است متون را باید در زمینه های زبانی، قراردادی، تاریخی، فکری و درک فردی و روان شناختی آفرینندگان آن ها فهمید. (محمودی، ۱۳۸۳: ۲۵)

اسکینر دغدغه تحلیل درست متن، رساندن درست واژگان و تفسیر کردن حقیقت محور همراه با ارزیابی درست با درک تغییرات تاریخی را دارد و صاحب سبک و رویکرد مجزا در هرمنوتیک تئوری کلان است. (skinner, 1985: 4) هرمنوتیک اسکینر تحت تأثیر کالینگوود و ویتگنشتاین است. (skinner, 2002: 88) ویتگنشتاین متأخر اصول زبانی پوزیتیویستی حلقه وین را رد کرد و به تئوری بازی های زبانی روی آورد. او فلسفه را به صورت کلان روایت تحقیق کرد و به دنبال آن بود تا تعریف صحیح و دقیق را در بازی های زبانی به بشر بیاموزد و می نویسد: دفن کردن یک مسئله بسیار آسان تر از حل آن است. (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰: ۲۰۶)

او واژه ها را تعریف ناپذیر می داند. (همان: ۱۴۴) ویتگنشتاین واژه را تنها در متن دارای معنا قلمداد می کند و می نویسد: طلا تنها در تاج و بر سر پادشاه معنای اصیل خود را دارد، ولی در بیابان برای انسان تشنه هیچ کاربردی ندارد. (همان: ۲۷۵) آن جی کالینگوود نیز به عنوان نخستین معلم فلسفه تاریخ تلاش کرد، قرائت های یزدان شناختی را مورد نقد قرار دهد و فلسفه تاریخ از هرودوت تا کروچه را بررسی کرد. او در نهایت از زبان کروچه نوشت: در تمام تاریخ، تاریخ معاصر است، نه به معنای

عادی کلمه که طبق آن تاریخ معاصر، تاریخ گذشته به نسبت اخیر معنی می‌دهد، بلکه به معنای دقیق، یعنی آگاهی شخصی از فعالیت خویش آن‌طور که بالفعل آن را انجام می‌دهیم. تاریخ نوعی خودشناسی ذهن زنده است. (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۲۵۶) او اعتقاد داشت هیچ چیز را نباید از جریان تحلیل کنار نهاد، چرا که شاید روزی به درد بخورد و به همان میزان که افراد تاریخ را حذف می‌کنند، به ایدئولوژی نزدیک می‌شوند. او در ایجاد شدن رشته تاریخ، رسالت مفتر تاریخ را زنده کردن می‌دانست. داده‌های خام تاریخی، استخوان‌های خشکی‌اند که ممکن است روزی به تاریخ تبدیل شوند و آن زمانی خواهد بود که شخصی بتواند آن‌ها را با گوشت و خون فکری که هم از آن خودش و هم متعلق به آن‌هاست، بپوشاند. (همان: ۳۸۵)

اسکینر نیز متأثر از کالینگوود و ویتگنشتاین، همه چیز را متن قلمداد می‌کند. به نظر او، ذهن و عین به علت عدم تطابق کامل با یکدیگر و نوعی درگیری که به دلیل تحقق نیافتن آگاهی صورت می‌پذیرد، گزارهٔ زبانی تولید می‌کنند. گزاره‌های زبانی دارای تاریخی از ساختار و سازه‌های ارزشی هستند که باید در تفسیر بررسی شود. در بررسی و تحلیل نمی‌توان نسبی‌گرا و فردی بود، بلکه مفتر خود وارد می‌شود و به ارزیابی متن می‌پردازد.

انتخاب روش اسکینر برای این کتاب، از آن جهت اهمیت دارد که با کنار هم قرار دادن متن و زمینه تلاش می‌شود که تفسیر بهتری از متفکر ارائه شود و این با هدف اصلی کتاب که قصد دارد از حافظ عبور کرده و با نقدی بر حافظ، تفسیری دیگر ارائه دهد که منحصر به خودش باشد و شناختی جدید و تفسیری تازه‌تر از حافظ به همراه داشته باشد، هم‌خوانی بیشتری خواهد داشت.

بار دیگر تأکید می‌شود که این کتاب، نوع نگاه حافظ به قدرت نهفته در روایت‌های زبانی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در نظریه‌های جدید سیاست همانند پسا ساختارگرایی و پسا مدرنیسم به گونه‌ای با عبور از جریان دولت محوری یعنی نوعی پسا سیاست مواجه ایم. این پژوهش نیز تأثیر قدرت سیاسی بر دیوان حافظ، تأثیر قدرت روایت‌های اندیشه‌ای بر دیوان حافظ، آسیب‌شناسی حافظ از فرهنگ سیاسی جامعه و همین‌طور راهکار زیرکانه عرفانی حافظ را که با جادوگری کلامی همراه شده است، واکاوی می‌کند. حافظ اندیشمندی ایران شهری است که قصد دارد ساختار تمدنی یک جانشین ایرانی را که به وسیله قبایل متعصب به حاشیه کشانده شده است، زنده کند. او از ریاکاری، استبداد سیاسی و مذهبی به تنگ آمده است و زیست خردورزانه را در رواداری، مهررزی و عشق ترسیم می‌نماید. اندیشه سیاسی نیز به معنی اعم کلمه هرگونه اندیشیدن و یا بیان اعتراض در قالب سامانه‌ای نظری به حکومت و نقد نمودهای رایج، اما ناپسند جامعه می‌باشد.

با تمام این تفاسیر، در این کتاب چند هدف اصلی دنبال می‌شود: تاکنون بر اندیشه سیاسی حافظ، کاری صورت نگرفته و تنها تحلیل‌های عرفانی، ادبیاتی، تاریخی و حتی فلسفی و دینی انجام گرفته است. این کتاب با استفاده از ادبیات آن‌ها و گسترش جهان بینی‌شان قصد دارد تا نگرشی منسجم و همچنین نوعی زبان‌شناسی سیاسی در دیوان حافظ پیاده کند.

کارهای انتقادی و سیاسی به صورت خطی و یا در حد چند صفحه، آن هم بسیار ناقص و پراکنده انجام گرفته است. کتاب حاضر قصد دارد این موضوع را با مدلی کاملاً شناخته شده از اسکینر طراحی کند.

آثاری که در این زمینه انجام شده‌اند، یا در جهت نفی حافظ بوده‌اند، مانند کارهای احمد کسروی و یا مانند خسرو ملاح و بهاءالدین خرمشاهی جذب‌شدگی ناباورانه‌ای به دیوان حافظ داشته‌اند. این کتاب قصد دارد با مطالعات میان‌رشته‌ای و نگاهی واقع‌گرایانه، دیوان حافظ را به لحاظ اندیشه سیاسی به نقد کشیده و واکاوی کند.

در آخرنیز باید یادآور شوم، کتاب *سیاست اندیشی حافظ* با همراهی و کمک بزرگان و اساتیدی به رشته تحریر درآمده است، که شرط ادب حکم می‌کند در این مقدمه از آنان تشکر شود. از دکتر محمود شفیعی و دکتر سید علی میرموسوی که خط به خط کار را مطالعه کرده و ایرادات را یادآور شدند و دکتر سید صادق حقیقت که با نکته‌سنجی‌هایشان سعی داشتند متن از چارچوب اصلی آن خارج نشود، سپاس گزارم. از دکتر مهدی فدایی مهربانی که متن را به لحاظ علمی بررسی کرده و نکات ارزشمندی را یادآور شدند و خانم بنفشه دادفر که مسئولیت ویراستاری ادبی متن را بر عهده داشته‌اند، تشکر می‌کنم. همچنین قدردان زحمات همسر عزیزم، دکتر روح‌الله اسلامی هستم که همیشه پشتیبان و همراه من بوده و اگر راهنمایی‌ها و همراهی علمی ایشان نبود، این تلاش به سرانجام نمی‌رسید. این کتاب از آن جهت که سعی دارد سخن تازه‌ای طرح کند، نیازمند نقدهای شالوده‌شکنانه و گزاره‌های هم‌دلانه پژوهشگران و اساتید محترم است. ایمیل نویسنده به آدرس f_zolfagharian@yahoo.com آماده پذیرش هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص مطالب کتاب است.